

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۷ دی ماه ۱۳۱۲ - ۱۰ رمضان ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۹۰۰

قیمت اشتراک { سالانه : ۱۰۰ ریال
داخه : ۲۵ ریال
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۷ دی ماه ۱۳۱۲ * (۱۰ رمضان ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| ۱ (تصویب صورت مجلس) | ۵ (شور اول لایحه اصلاح قانون دیوان محاسبات عمومی) |
| ۲ (تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه) | ۶ (تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه) |
| ۳ (تصویب فوریت لایحه تقدیم آقای وزیر عدلیه) | ۷ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه) |
| ۴ (معرفی معاون وزارت امور خارجه) | |

(مجلس هشت ساعت و نیم بعد از ظهر بر ریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۳ دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد - آقای وزیر عدلیه .
 ۱ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
 وزیر عدلیه (آقای صدر) - يك لایحه است که تقدیم میشود راجع به اصلاحی است از قانون عدلیه نسبت به قانون مرور زمان - قانون مرور زمان در ۱۳۰۶ تصویب شد و با این ترقیب که مدعی علیه همیشه حق دارد ایراد کند در دعوی بمرور زمان قبل از آنکه وارد دعوی شود و محکمه مکلف است فراری صادر کند این فرار مبنی بر قبول باشد یا رد باشد هر دو قابل استیناف و تمیز

است در این مدت گذشته نظر بر عابت اصل مرور زمان خیلی طرفداری شد در عدلیه از این قانون (افسر - بر ضرر مردم تمام شد) ولی نسبت به فرار در مرور زمان زحمت زیادی تولید شد هم برای عدلیه هم برای مردم برای اینکه بهر ایراد نیش غولی و کیل مدعی علیه ایراد مرور زمان میکنند و محکمه هم رد می کنند آنوقت مستلزم این است که استیناف و تمیز بدهد آنوقت ششماه یکسال دو سال طول میکشد تازه بر میگردند سرکار و اول دعوی این را پیشنهاد شده است که رد مرور زمان قابل استیناف و تمیز نباشد محکمه رسیدگی میکنند اگر فرضاً مدعی علیه ایرادی

* * * این مذاکرات مشروح پنجاه و ششمین جلسه از دوره نهم تفنیفیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایر تند نویسی و تقریر صورت مجلس

* * * اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : رهنا - علوجی - ملکزاده آملی - اسفندیاری - باستانی - وکیل - فراگوزلو - یونس آقا و هابزاده کورس - کازرونی - محسن آقا مهدوی .

دارد در مرحله استینافی و تمیزی میتواند این ایراد را بکند مثل قرار عدم توجه این لایحه است که تقدیم میکنم و استدعا میکنم اگر با دو فوریت بگذرد بهتر است چون رفع مزاحمت را میکند.

رئیس - قاعدتاً کارهای دو فوری میبایستی قبلاً به فراکسیون برود ولی در خارج آقای وزیر علیه مرامطالع کردند که بواسطه تقاضای که داشتند نتوانستند ادراک وقتی را که قبلاً میبایستی صرف این کار بکنند کرده باشند این است که استجازه می کنم اگر اجازه میفرمایند مطرح شود.

بعضی از نمایندگان - مخانی نیست

رئیس - قرائت میشود:

ساحت محترم مجلس شورای ملی.

نظر باینکه مطابق ماده چهارم قانون ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ راجع به ثبت عمومی املاک و مرور زمان محکمه مکلف است که بایراد مرور زمان علیحده رسیدگی کرده و قرار صادر نماید و این قرار خواه مبنی بر رد ایراد باشد و خواه مبنی بر قبول مستقلاً قابل استیناف و تمیز است و مادام که تکلیف قرار از مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه ابتدائی رسیدگی را باید بتأخیر اندازد و نظر باینکه اجراء این ترتیب باعث بطور فوق العاده دعاوی میگردد لذا مواد ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود.

ماده ۱ - ماده ۴ قانون ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ راجع به ثبت عمومی املاک و مرور زمان نسخ و بجای آن ماده ذیل تصویب میشود:

ماده ۴ - بایراد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید این قرار در صورتی که مبنی بر قبول ایراد باشد مستقلاً قابل استیناف و تمیز است و مادام که تکلیف قرار در مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه ابتدائی رسیدگی را بتأخیر خواهد انداخت هرگاه قرار محکمه مبنی بر رد ایراد باشد استیناف یا تمیز

اینهم يك قدری فهمش برای ما باین سرعت غیر مقدور است خوب بود موافقت میفرمودند که این را يك شوری درش بعمل می آمد باینکه توضیحات فنی گفته درش میدادند بابالآخره همانطور که عرض کردم حقیقه اگر دقت کرده اند و دیده اند لازم است ما هم چون ایشان را طرف اعتماد خود میدانیم موافقت میکنیم و رأی میدهم.

وزیر عدلیه - بنده اساساً مخالفتی ندارم باین مطلبی که نماینده محترم فرمودند بنظر بنده چون مطلب در نظر خودم واضح است اگر هم لازم بداند توضیحات بیشتری بدهم اجلاً این است که قانون مرور زمان بسیار قانون خوبی است و خیلی از دعاوی را کوتاه میکند و اسباب اطمینان اشخاصی است که در مدت مرور زمان که چهل سال است در گذشته و بیست سال است در آینه دعوائی برشان اقامه شده است و امیدوار هستیم قانون ثبت املاک هم طوری سرعت پیدا بکند که غیر منقول کلیه ثبت بشود و از همه این قوانین و اصلاحات مستغنی بشویم ولی امروز با اکثرین دعاوی که مخصوصاً اعتراض پیش غری که باینکه از تقاضاهای ثبت میشود که اسباب زحمت متصرفین و ملاکین و صاحبان ملک شده است ایراد مرور زمان يك اسباب زحمت بیشتری شده است یعنی ایراد مرور زمان بجای خودش درست است ولی بیهود و وضع اعمال میکنند یعنی حقیقه مرور زمان نیست و ایراد میکنند و محکمه ناچار است قرار صادر کند و سبب این خواهد شد که این قرار قابل استیناف و تمیز است و يك دوره طولانی بزرحت می افتند و بعد هم مدعی که خودش را ذبح می دادند همینطور معطل است و بيك خسارت عمده مبتل می شود بنده مطلب در نظر روشن بود و این بود که تقاضا کردم امشب مطرح شود معدنك مخالف نیستیم اگر آقایان مایل هستند که باز شوری درش بشود عرضی ندارم (صحیح است)

رئیس - بنده بی تکلیف ماندم برای اینکه آقا تقویت نکرده که قضیه فوری باشد و اظهار تردید فرمودید

وزیر عدلیه - با تردید عرض نکردم عرض کردم که اگر آقایان موافقت ندارند ممکن است يك فوریت باشد و الا تقاضای بنده دو فوریت بود و حالا هم هست.

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - عرض بنده این بود که این لایحه يك شوری بشود برای اینکه این مسئله يك قدری قابل بحث است و مطالعه بیشتری لازم دارد باین جهت بنده عقیده دارم که این لایحه بروود بیکه سیون و بيك شور بشود و بیاید بمجلس **رئیس** - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - بنده هم با دو فوریت مخالفم و عقیده دارم که يك شوری باشد.

رئیس - پس قدر متیقن این است که يك شوری باشد آقایانی که با فوریت اول موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد آقای وزیر امور خارجه

۴ - معرفی معاون وزارت امور خارجه

وزیر امور خارجه (آقای کاظمی) - اجازه میخواهم که آقای میرزا علیخان سهیلی را به معاونت وزارت امور خارجه معرفی کنم (صحیح است).

۵ - شور اول لایحه اصلاح قانون دیوان محاسبات عمومی

رئیس خیر کیسیون قوانین مالبه راجع به اصلاح قانون دیوان محاسبات مطرح است خود لایحه منتشر شده است مذاکره در کلیات است. آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا - حقیقه از آقای وزیر مالبه باید تشکر کرد که قانون دیوان محاسبات عمومی را که از مدتی باینطرف از تصویب مجلس گذشته بود ولی متأسفانه در بوقه اجمال مانده بود فعلاً میخواهند این قانون را حقیقه احیاء و زنده کنند البته يك قانونی که در مجلس شورای ملی تصویب میشود باید در موقع خودش به موقع اجراء گذاشته شود این قانون متأسفانه در این مدت طولانی به موقع اجراء گذاشته نشده است ولی بنده تا بحال هم نفهمیدم که چرا اجراء نشده است ممکن است بفرمایند که عملی نبود بنده عقیده ام این است که خیر غالب موافق عملی بوده است

و با وجود این میدانم جهتش چه بوده است که این قانون غالب موادش عمل نشده است و همانطوری که عرض کردم در بونه اجمال مانده بود و فعلاً آقای وزیر مالیه البته با جدیدی که دارند مطالعات عمیقہ کرده اند و قانون دیوان محاسبات را که میتوان گفت حقیقہ یکی از بهترین قوانین است می خواهند عملی و اجرا کنند چون در قانون اساسی ما مخصوصاً اشاره باین قانون هست و قوانین دیگر بالخصوص اشاره نیست ولی در قانون اساسی بالخصوص اشاره باین قانون است و تصریح شده است که باید دیوان محاسبات تشکیل بشود این است که بنده با اساس لایحه مخالف ندارم ولی چند فقره مطلبی بود که خواستم تذکر بدهم و توضیح بخواهم یکی این است که ما دوتا قانون داریم که پشت سر هم تصویب شده است یکی قانون محاسبات عمومی است که در ۲۹ صفر ۱۳۲۹ تصویب شده است و یکی هم قانون دیوان محاسبات است که در ۲۳ صفر ۱۳۲۹ قمری تصویب شده است فعلاً این لایحه که آقای وزیر مالیه تقدیم کرده اند و از تصویب مجلس میگردد قانون دیوان محاسبات عمومی است قانون محاسبات عمومی در سر جایش باقی است و در يك ماده آخر این خبر هم مینویسد قانون دیوان محاسبات عمومی مصوب صفر ۱۳۲۹ قمری منسوخ است و دیگر اشاره بقانون محاسبات عمومی نشده است میخواستم توضیح بدهند که آن قانون محاسبات عمومی سر جایش هست یا اینکه آن هم منسوخ است اگر منسوخ است باید در این قانون تصریح کنیم که آن قانون منسوخ است و عقیده ام این است که آن قانون هم منسوخ است چون غالب موادش در این قانون هست این يك تذکر بنده است یکی هم راجع به اعضای دیوان محاسبات که در این قانون تصریح شده است که وزیر مالیه بیست و هفت نفر را پیشنهاد میکند بمجلس و مجلس از بین آنها عدۀ لازمہ را انتخاب میکند میخواستم يك توضیحی بدهم که ما هم از وزارت مالیه در پیشنهاد این اشخاص یعنی اعضای دیوان محاسبات

باین که اشخاصی باشند که دارای رتبه باشند و سابقه استخدام داشته باشند یا نداشته باشند این را هم باید تصریح کرد برای این که ممکن است امروز آقای وزیر مالیه يك اشخاصی را سراغ داشته باشند که صاحب رتبه نیستند و سابقه استخدام هم ندارند ولی لیاقت عضویت یا ریاست دیوان محاسبات را دارند و بیایند او را پیشنهاد به مجلس کنند این را يك توضیحی اگر میدادند بهتر بود که این اعضای که معین و انتخاب خواهند شد سابقه استخدام و دارای رتبه باید باشند یا نه این هم يك نظر بنده بود که باید در این لایحه تصریح بشود. یکی هم راجع به حقوق اعضاء دیوان محاسبات است چون در قانون سابق مخصوصاً حقوق اعضاء دیوان محاسبات ذکر شده بود اگر مثل سایر قوانین عادی بود مانعی نداشت ولی در يك قانونی که میخواهیم آنرا نسخ کنیم حقوق ذکر شده است در قانون سابق در ماده ۱۴۹ قانون دیوان محاسبات تصریح کرده که مقرری اعضاء دیوان محاسبات و مدعی العموم و دفتر دار کلی بفرار ذیل است آنوقت مبالغ حقوق را هم معین کرده است حالا ما آن قانون را نسخ میکنیم و باید در اینجا تصریح کنیم اگر تصریح نکنیم ممکن است بعد موجب اشکال بشود که اعضاء دیوان محاسبات حقوقی از خزانه دولت ندارند این را هم بنده عقیده ام این است که توضیح بدهند که اگر آنها هم حقوق خواهند برد در این جا تصریح بشود. يك مطلب دیگر این است که این جا يك موادی ذکر شده است که بنده عقیده ام این است که اصل صدور قانون اساسی راجع باین مواد حقیقہ همه اش کافی بود و احتیاجی باین مواد از ماده ۸ با نظری نداریم اصل صدور قانون اساسی را که عیناً بنده قرائت میکنم که آقایان البته مسبقاً متذکر باشند بنده عقیده ام این است که معین این ماده را یعنی اصل صدور قانون اساسی را اگر صورت يك ماده در این جا ذکر کنیم آنوقت مستغنی میشویم از سایر مواد دیگری که در این جا هست. اصل صدور قانون اساسی این است: دیوان محاسبات مأمور بمعاينه و تفكيك محاسبات اداره مالیه و تفريغ حساب كليه محاسبين خزانه است و

مخصوصاً مواظب است که هیچيك از فقرات محارج معینہ در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننمود و تغییر و تبدیل پذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاينه و تفكيك محاسبه مختلفه كليه ادارات دولتي را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت كليه محاسبات ملكتي را باید بانضمام ملاحظات خود تسليم مجلس شورای ملی نماید. این حقیقہ يك اصل حاکمی است و تمام وظایف دیوان محاسبات را معین کرده است اگر ما این اصل را بعینه در اینجا بگذاریم با اشاره کنیم دیگر خیلی از این مواد لازم نخواهد شد. يك تذکر دیگری داشتم که در اصل صدور قانون اساسی معین شده عین عبارت اینست: ترتیب و تنظیم و اداره دیوان بموجب قانون است. معلوم میشود که این قانون یعنی قانون دیوان محاسبات يك خصوصیتی دارد که ترتیب و تنظیم و اداره اش هم بموجب قانون باید باشد بموجب نظامنامه نمیشود در قانون باید تصریح شود تمام جزئیات ترتیب و تنظیم و اداره این دیوان محاسبات و در این قانون چندان اشاره نشده است بنده عقیده ام این است که اگر يك چند ماده هم راجع بترتیب و تنظیم دیوان محاسبات ذکر شود بهتر است و موافق قانون اساسی هم هست این هم يك تذکر بنده است. يك تذکر دیگر هم داشتم در فقره ۲ از ماده ۳ که مینویسد اگر وزیر مالیه تغییر یکی از رؤسا یا اعضای دیوان محاسبات را بخواهد یعنی ممکن است که وزیر مالیه یکی از اعضای دیوان محاسبات را تغییر بدهد این جا هم بنده عقیده ام این است که بکفوری مخالف اصول است در صورتیکه اعضاء دیوان محاسبات از طرف مجلس شورای ملی معین شده و دیگر نباید بوزیر مالیه حق داد که بیایند بکنفر را تعیین کنند و تغییر بدهد مثل قضات همانطور که قضات را بموجب قانون اساسی نمیتوان تغییر داد اینها را هم نمیتوان تغییر داد مجلس معین کرده يك شخصی را بکوفتی وزیر مالیه وقت اگر بخواهد آن شخص را تغییر بدهد بکفوری مخالف اصول است. بنده

عقیده ام این است که اینجا هم باید يك ماده تنظیم شود که اگر وزارت مالیه تغییر يك نفر از آنها را بخواهد با يك ترتیبی که از مجرای مجلس هم باشد تغییر داده شود و الا مجلس انتخاب کرده آنوقت وزیر مالیه تغییر بدهد بکفوری خارج از قاعده است اینهم يك نظر بنده بود يك نظر دیگر هم در فقره ۱ قسمت (ب) نوشته است یا متصدی یکی از معاملات دولتی باشد اینجا هم يك توضیحی بدهم که اگر بکنفر يك وقتی متصدی معاملات دولتی بوده است جهت این که محروم باشد از عضویت دیوان محاسبات چه بوده است اینها نظریاتی بود که عرض کردم البته آقای وزیر مالیه توضیح خواهند داد و معلوم این است که این قانون حالا که از تصویب مجلس میگردد طوری بگذرد که عملی باشد و مخالف اصول هم نباشد.

وزیر مالیه (آقای داور) - بنده میخواهم قبل از شروع بجواب يك عرضی بکنتم مثل معروف را آقایان البته در خاطر دارند که بعضی ها که سرشان درد نمیکند دستمال می بندند و آنوقت قبل ملامت هم هستند مثل بنده هم در مقابل آقای دیبا همین طور است که سر بی درد را دستمال بسته ام و حالا با اعتراضات هم بر میخوریم خوب آقا خودتان فرمودید که ۲۵ ۲۶ سال يك قانون دیوان محاسباتی بود که خوابیده بود اسلاروی کاغذ بود فقط اسمی بود در فهرست قوانین مملکت ایران ما آمدیم گفتیم يك چیزی درست کنیم که عملی باشد و بنام يك دیوان محاسبات قانونی بگذاریم که عملی بشود و اجرا بشود و تشکیل کند و بعد هم برای این که تجربه این عمل را داشتیم گفتیم يك چیزی بنویسیم که دیگر بيك اشکالاتی بر نخورد و سائل آنرا هم داشته باشیم که بدون اینکه اصل آنرا از بین ببریم بتوانیم اصلاح کنیم و روی آن قانونی بنویسیم خوب حالا آقا میفرمایند وقتی که مجلس شورای ملی اعضاء دیوان محاسبات را انتخاب کرد دیگر آنوقت وزارت مالیه چه حق دارد که بکنفر از اعضای آنرا تغییر بدهد و توجه هم باین امر نمیکردند که وزارت مالیه بکنفر از متخین را بر میدارد و بکنفر دیگر از همان متخین را جایش میگذارد و از خارج نمیآورد

(طباطبائی دیا - اصلاح چار میبارید) خوب همین جا است که اختلاف نظر میشود و آن کسی که بیست و پنج سال بوده است که این قانون بوده است و در چندین دوره آقا نمابنده بودند و هیچ دوره هم نرسیدند آقا که چرا این قانون بموقع اجرا گذاشته نمیشود و فقط دلخوش هستند باینکه این مطابق اصول روی کاغذ است و آنوقت ایراد میکنند بیک کسبکه دو ماه است آمده است - سر اینکار و خیال دارد که این قانون را اجرا کند و بکطوری کند که قابل عمل باشد و قانونی بشود که بر خلاف گذشته قابل اجرا باشد بنده از نقطه نظر عمل همچو تصور میکنم که بهتر این خواهد بود که در ابتدای امر شاید چهار سال دیگر هم محتاج باین ترفیب نباشیم و بهتر این باشد که این اختیار را اصلاً برای وزارت مالیه بگذاریم ولی در بادی امر وقتی که میخواهیم یک همچین تشکیلاتی را بدهیم و این تشکیلات خیلی اهمیت دارد برای اینکه کلیه اسناد و حوالجات و تمام حسابهای دولت باید بیاید آنجا و ثبت کند و تصدیق کند و اگر اتفاقاً اشتباه شده باشد در انتخابات ممکن است فلج کند تمام کارها را تصور فرمودند که دیوان محاسبات بعد از آنکه خرج شد رسیدگی میکند خیر دیوان محاسبات هر خرجی را که می خواهند وزارتخانه ها بکنند اول باید زیر نظر او بگذرد اگر آمدیم بی احتیاطی شد در تشکیلات یک همچو دستگاهی ممکن است یک شخص خاصی هم خیلی با حسن نیت واقفاً اگر آمدند یک طوری مسائل را نگاه کردند و یک ترفیبی خیال کردند انجام وظیفه کنند که تمام خرجها را فلج کردند تصور میکنند که خوب چیزی خواهد بود؟ بنده چون دیدم که تجربه اولی که از این تردید داشتیم باعث این شده است که در تمام این دوره ها خواسته بودند که این دیوان محاسبات تشکیل شود و قطعاً هم از نقطه نظر سوء نیت نبوده و فقط از این نظر بوده است که نگرانی داشته اند که برآورد این خرج باعث این بشود که خرجهای دیگر از کار بیفتد آمدیم و کتیم شکالی نداشتیم می آیم یک فرمولی درست میکنیم که هیچ این نگرانی درش نباشد اگر دیدیم شکالی درش پیدا شد این را از راه خودش می توانیم اصلاح کنیم البته

و کار کنیم آقا از نقطه نظر کلیات حق دارند بنده از نقطه نظر عمل آقا مسائل را از نقطه نظر اصول حل میکنند بنده همیشه در تمام مراحل زندگی ما مقید بوده ام و در پشت این میز هم مکرر عرض کرده ام که باید کاری کرد که اصول از برای عمل خوب باشد همیشه باید این طور اصول را در نظر گرفت که برای چه اصلاً معین شده است هیچ قاعده و اصلی از برای خودش فایده ندارد اگر از نقطه نظر عمل خوب بود خوب است و الا آن اصل را باید عوض کرد این اصول را که میفرمائید در توی کتاب صحیح است ولی از برای عمل بیست و پنج سال است که نشان داده است که صحیح نیست این است که بنده چون میخواهم وارد عمل بشوم این است که از آن قسمت اصولی چندان دلخور میشوم که بگذردی هم گوشه فبای اصول مختصر کردی پیدا کند. اما راجع بآن سؤالی که فرمودید آیا قانون محاسبات عمومی بجای خودش هست یا خیر مسلم است که هست قانون محاسبات عمومی یک قانون جداگانه است اینجامانوشته ایم قانون دیوان محاسبات منسوخ است قانون محاسبات عمومی هم در ضمن این تجربه چند ساله که عمل شده است در یک قسمتهائی محتاج بیک تغییرات و اصلاحاتی است و آنرا هم مشغول هستیم و شاید تا یک ماه دیگر به مجلس بیاوریم ولی البته تا وقتی که نیامده است و مجلس رأی نداده است آن بجای خودش باقی است. مسئله دیگر این بود که فرمودید راجع باینکه آیا اعضاء دیوان محاسبات از کسانی خواهند بود که دارای رتبه و سابقه خدمت خواهند بود یا خیر ولو اینکه در اینجا تصریح نشده است ولی بنده عرض میکنم بله اشخاصی که برای این کار در نظر گرفته میشوند دارای رتبه و سابقه خدمت هستند برای اینکه غیر از این ترتیب تقریباً عملی نیست برای اینکه از برای نفر وزارت مالیه ممکن است که گرفتار هزار تقاضا بشود بالاخره بین تمام آن تقاضا کنندگان خارج شاید پنج نفرشان باشند که بعد از این کار بخورند البته اشخاص با سابقه که در عمل بوده اند بهتر میتوانند از عهده رسیدگی بحساب برآیند و یک اشخاصی که سابقه ندارند و این مطلبی که عرض کردم

البته ممکن است بطور ناقص جواب سؤالی دیگر آقا را هم داده باشد راجع بحقوق زیرا اگر بنام اشخاص با رتبه بیایند البته حقوقشان هم حقوق رتبه شان خواهد بود و آن اصل قانون اساسی را هم که فرمودید اگر همان را بگذاریم محتاج بقسمتی از مواد نخواهیم بود بنده تصور میکنم که اصل قانون اساسی بجای خودش صحیح است و این قانون هم بجای خودش صحیح است و این مواد تفصیلی است که از آن اصل داده میشود معیناً ممکن است آقا پیشنهاد بفرمایند بعد در کمیسیون مجدداً مطالعه میکنیم شاید ما هم با نظر آقا موافق بشویم حالا با وجود تمام آن عراضی که در ابتدا عرض کردم باز هم بنده حرفی ندارم اگر آقایان از نقطه نظر عمل نتیجه تصور بفرمایند شکل دیگری بهتر است مجلس از برای بحث و شور است دیگر بحث میکنیم و صحبت میکنیم آقایان پیشنهاد می دهند در کمیسیون تشریف می آورند و بالاخره هر طور که مجلس و کمیسیون تصمیم گرفت بنده هم اطاعت میکنم.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - یک تذکری آقای وزیر مالیه در ضمن فرمایشاتشان فرمودند بنده از اشخاصی هستم که دو سه مرتبه ان تقاضا را کرده بودم چون فرمودید که چرا تا اینمدت تقاضا نکردید بنده اگر نظر تان باشد در همین مجلس باین موضوع تذکر دادم و حقیقتاً نظر بنده از مذاکره در توضیح بود که میخواستم اولاً حقیقتاً تشکر کنم از هیئت دولت و مخصوصاً آقای وزیر مالیه در این چند روز باینکه مددشان کم بوده است مطالعات اساسی در وزارت مالیه کرده اند و یکی از بهترین آن کارها همین قانون دیوان محاسبات عمومی است که در دوره دوم مجلس شورای ملی گذشته است و در قانون اساسی هم در دو ماده تصریح دارد و تا امروز اجرا نشده و میخواهم ضمناً در این عرضی که میکنم تقاضا کنم از آقای وزیر مالیه که بعد از تصویب این قانون آن یک موضوع دیگر را هم انجام بدهند و آن قانون تفریح بود چه است که همه آقایان هم میدانند که باز هم در قانون اساسی

و هم در قانون محاسبات عمومی هست که هر سال دولت باید لایحه تفریح بودجه به مجلس بیاورد و علنش هم خیلی واضح است بجهت اینکه بودجه ای که تصویب میشود هر سال عایداتش البته بر حسب تخمین است (یعنی البته تخمین قریب به یقین یا مقایسه با سال گذشته) مخارجش هم البته بر حسب تخمین است اعتبارات هر وزارتخانه یا هر اداره را دولت پیشنهاد میکند مجلس هم تصویب میکند که این مبلغ را خرج بکند بعد ممکن است خرج نکند یعنی محل خرج پیدا نشود پس نظارت مجلس شورای ملی که بیشترین تکالیفش فقط نظارت در کارهای مالی است و تصویب قوانین مالی کی کاملاً اجرا میشود آتوقتی که لایحه تفریح بودجه به مجلس میآید که امسال عایدات چقدر بود و از این اعتباری که برای مخارج دادها بقدر خرج شد و آتوقتی مجلس شورای ملی وعامه مطلع میشوند که چقدر داده اند و چقدر خرج شده است و تا بحال در این مدت بیست و پنج شش سال لایحه تفریح بودجه هنوز به مجلس شورای ملی نیامده از ده سال که اوضاع ایران تغییر کرده و بنو جهات اعلی حضرت همایونی اساس مملکت مستحکم شده است و قوانین مملکتی از روی کاغذ بموقع عمل گذاشته شده است لایحه تفریح بودجه باز نیامده است. بودجه ها هر سال آمده است حتی در دوره هفتم و هشتم و نهم تصور میکنم که در موقع قانونی خودش بودجه به مجلس آمده یعنی بیست از اسفند و در اسفند لایحه سال بعد آمده است ولی لایحه تفریح بودجه نیامده الا در سه تا لایحه که اخیراً وزیر مالیه سابق آوردند و معلوم بود که آنها لایحه تفریح بودجه نبود و در همین جا هم تذکره داده شد که اینها لایحه تفریح بودجه نیست لکن بنده امیدوارم با آن جدیتی که آقای وزیر مالیه دارند لایحه تفریح بودجه را به مجلس بیاورند. یکی از تذکرات بنده همین بود حالا شاید هم بفرمایند که يك علتی که نمیتوانستند لایحه تفریح بودجه را به مجلس بیاورند برای همین بوده که دیوان محاسبات نبوده که رسیدگی کند جمع ها و خرج ها را و لکن حالا که قانون دیوان محاسبات عمومی بطور عملي بعقیده بنده درست

یا فقط برای همان فقره يك و دو است که در ماده بعد ذکر شده که اگر چنانچه یکی مثلاً مرد یا استعفا داد یا نباشد تغییر میدهند از آن نه نفر بیایند این را بنده درست ملتفت نشدم البته آن قسمتی را که در فقره يك و دو نوشته صحیح است که وزارت مالیه در صورتی که در مورد فوت یا استعفا یا تقاعد یکی از رؤسا یا دره ورودی که تغییر یکی از آنها را صلاح میدانند از آن نه نفر جایشان میکذارند لکن در وقت عمل فرض کنید که سه شعبه است دو نفر سه نفر از اعضایشان غایب شدند مرخص شدند دو نفر از آن ها جایشان میکذارند آتوقتی باید عمل بکنند یا خیر؟ اینجا در واقع مثل عنوانی البدل و قائم مقامند یا اینکه باید از بین آنها بعد انتخاب شوند این را توضیح بفرمایند چون از ماده درست ملتفت نشدم یکی هم در ماده نه که اسناد راجع بمعاملات و تعهدات و تصویب مخارج باید در دیوان محاسبات ثبت و نسجیل شود غرض از این ثبت چیست یعنی مثل اینکه اگر کسی يك سندی میخواهد بدهد دیگر محتاج به ثبت اسناد نیست همین جا ثبت میکنند و نسجیل میکنند؟ این عبارت را هم بنده درست ملتفت نشدم که غرض از این ثبت و نسجیل در اداره محاسبات عمومی چیست این را هم نمنا داشتم توضیح بفرمایند چون از ماده بنده چیزی نفهمیدم يك فرمایشی فرمودند آقای وزیر مالیه که اداره دیوان محاسبات عمومی قبل از اینکه دوایر دولتی در بودجه خرجشان مداخله بکنند نظارت میکند یعنی بتصویب او خرج میکنند یا اینکه خبر بعد از آن که مثلاً وزارت است و تلگراف یا وزارت داخله مخارجی را کرد آتوقتی صورت اسناد خرجش را میرسد دیوان محاسبات رسیدگی می کنند تصدیق میکنند یا مثل کسب و نسیون تطبیق حوالجات سابق که هر خرجی که میخواهند بکنند می بایست اول ببرند آنها تصدیق بکنند بعد خرج کنند این هم از عبارت بر نمی آید ولی بنده از توضیحی که آقای وزیر مالیه دادند همچو استنباط کردم که غرض این است که قبل از خرج بنظر آنها برسانند که

آنها تصویب بکنند. آیا این قصد است یا اینکه خیر بروند خرج بکنند و بعد اسناد خرج خودشان را ببرند آنجا و تصدیق صحت سند خرج را بکنند این را هم نفهمیدم قبل یا بعد. این ها را استدعا میکنم توضیح بدهند.

رئیس - آقای نقیعی

فهیعی - بنده معتقدم که مذاکره در مسائلی که مربوط به مواد است آنها را در مواد ذکر کنیم و عیناً روی کلیات حرف بزنیم. قانون دیوان محاسبات را شاید غالب آقایان و مخصوصاً آقای وزیر مالیه خودشان شاهد باشند که بنده همیشه اصرار داشتم باینکه این قانون بموقع اجرا گذاشته شود مخصوصاً برای اینکه مدافع این قانون و مخبر کسبیوتش در دوره دوم مجلس خود بنده بودم و دفت هائی که در تهیه این قانون و قانون محاسبات عمومی شد خیلی زیاد بود و آتوقتی که آقای مؤید احمدی اشاره فرمودند که ترجمه بود این ترجمه نبود مگر بزرگ که يك آدم خیلی متبحر علمی بود پس از دو سال مطالعه در وضعیت مالیه ایران این قوانین را تهیه کرد و خیلی مطابق با وضعیت و مقتضیات آتوقتی بود ولی در مجلس در ضمن مذاکرات يك تغییراتی در آن قانون دادند که قانون اساساً غیر عملی شد یعنی جنبه سیاسی بیشتر در این قانون داخل شد تا جنبه عملی یکی از مسائلی که این قانون را تا بحال غیر قابل اجرا و غیر عملی گذاشته است طرز انتخاب اعضاء بود زیرا در موقع تهیه قانون قانون دیوان محاسبات چند مملکت را تحت نظر قرار دادند در بعضی جاها اعضاء را دولت انتخاب میکرد و مجلس از میان آنها بعضی اعضاء شعبه را و غیره را انتخاب میکرد بعضی جاهای دیگر کلیه اعضاء دولت پیشنهاد میکرد عده لازم را مجلس با سمتهای لازم انتخاب میکرد برای این بود که این اعضاء اولاً مطلع بامور محاسباتی باشند بعد هم جنبه استقلال داشته باشند بواسطه مداخله و انتخاب مجلس و هم جنبه اداری و عملی داشته باشند از مداخله دولت و روی همین اصل هم قانون نوشته شد ولی بعد که به مجلس آمد يك ماده گذاشتند که انتخاب اعضاء از روی لیستی خواهد بود که وزارت مالیه پیشنهاد بکند ولی مجلس در حال میتواند

از آنها انتخاب کند یا از غیر آن عده از خارج و نظریات آنوقت را هم آقایان شاید مسبق هستند که بیشتر جنبه سیاسی اشخاص بود تا جنبه لیافت و کفایت اشخاص و خیلی هم در این موضوع بحث شد و بالاخره اینطور تصویب شد و هر وقت خواستند قانون دیوان محاسبات را بموقع اجرا بگذارند همین قسمت اسباب این شد که خودش خود بنده هم در موقع تصدی وزارت مالیه این نظر را گرفتم با مجلس هم مذاکره کردم ولی بقدری اشخاص مختلف پیشنهاد شد و بقدری نظریات مختلف در نظر گرفته شد که بالاخره صرف نظر کردم و حتی فرار هم شد که این قسمت را تغییر بدهیم ولی بالاخره بدینم موافقت نمیشود و ماند و اگر اینطور باشد دیوان محاسبات هیچ کاری نخواهد کرد یعنی برود روی جنبه اشخاص و نظریات خصوصی و بالاخره بکار محاسبه دولت یکی از بین برود چند سؤال فرمودند اینجا آقای مؤید احدی که يك قسمش راجع به قانون تفریح بودجه بود البته تا وقتیکه دیوان محاسبات نباشد قانون تفریح بودجه مندرج نخواهد داشت زیرا باید يك دیوان محاسبانی باشد تا اینکه کلیه مخارج و کلیه عوائد را از روز اول اجرای بودجه تحت نظر داشته باشد و صورت آنها را تهیه کند بعد در آخر سال که لایحه تفریح بودجه میآید مجلس آنرا طرف توجه قرار دهد و رأی بدهد ولی اگر نباشد دولت همینطوریکه بودجه را میدهد همینطور هم يك لایحه تفریح بودجه میدهد و مجلس در هر صورت کنترل کاملی در آن نمیکند چنانکه امسال هم وقتیکه آن لایحه تفریح بودجه را آوردند همانوقت هم آقای مؤید احدی تذکر دادند هم خود بنده عرض کردم که این لایحه را مجلس تمین نماید لایحه تفریح بودجه تلفی کند این يك صورت حسابی است دولت میدهد بنده که استناد خرج را ندیده ام و صورت جزء را هم ندیده ام يك صورت میدهند که آنقدر وصول شد و آنقدر هم خرج شد ولی وقتی دیوان محاسبات باشد البته کلیه ادارات صاحبجمع باید

تمام مخارج را روز بروز هفته هفته ماه بماه بانجا صورت بدهند و کلیه حوالجات که باید خرج شود باید بتصویب دیوان محاسبات باشد و دیوان محاسبات صورت کلیه جمع و خرج را تهیه کند بطوریکه هر ساعت و هر آن بخواهد بداند در مالیات دولت چه شده است صورت حاضر کند و بدهد باین ترتیب میتوانند در آخر سال يك لایحه تفریح بودجه بیاورند که برای مجلس هم روشن باشد یکی راجع باعضاء قائم مقام بطوریکه مذاکره شد در کمیسیون فواین مالیه هم آقای وزیر مالیه توضیح دادند این اعضاء قائم مقام البته از مستخدمین وزارت مالیه یا غیر مالیه خواهند بود و بکار خودشان برقرار هستند هر موقعیکه موقه بعضی از اعضائی که در سرکار هستند حاضر نشوند بواسطه کسالت یا مسافرت اگر موقه خارج بشوند این اعضاء قائم مقام میآیند جی آنها کار میکنند و بعد هم بجای خودشان بر میگردند ولی اگر بطور دائم بعضی از آنها غیبت بکنند البته از این اعضاء قائم مقام جی آنها میگذارند نظر باینکه اعضاء دیوان محاسبات باید از منتخبین مجلس باشند این پیش بینی را کرده اند که اگر در موقعی غیبت یا استعفاء یا فوت پیدا شد محتاج بتجدید انتخاب غیر هم نباشند و برای يك مدتی لافق سه سال پیش بینی جی آن شخص غایب شده باشد. راجع بتسجیل و ثبت سؤال فرمودید این تسجیل و ثبت مربوط بکار ثبت اسناد نیست ولیکن چون دیوان محاسبات باید از کلیه معاملات دولت اطلاع داشته باشد و باید کلیه معاملات در آنجا تصدیق شود این است که وقتی يك قرارداد هائی دولت می بندد یا هر گونه معاملاتی میکند صورت آن قرارداد و معامله را باید ببرد در دیوان محاسبات ثبت کند مثلاً اگر امتیازی باشد باید ببرد در دیوان محاسبات ثبت شود در دفتر خودش برای اینکه در موقع عوائدی که باید از آن راه بدولت برسد بتواند حساب کند یا اینکه مخارج و اسناد خرج آنرا بخواهد این است که ثبت و تسجیل دیوان محاسبات برای این است که کلیه عملیاتی که در آن عوائد و مخارج است در يك جائی تمرکز پیدا کند که بدون اطلاع این مرکز قانونی که در حقیقت

نمایند مجلس است برای رسیدگی بمحاسبات معامله نمود یکی هم راجع بمخارج سؤال فرمودند در لایحه این عبارت شاید کم باشد و در موقع خودش در ماده بنده اصلاحی هم پیشنهاد کرده ام چون فقط معاملات و اسناد و قرارداد ها را ذکر کرده اند ولی راجع بحوالجات ذکری نکرده اند این هم باید قید شود که کلیه حوالجات اعتباری مستقیم هر شکل هست باید قبل از آنکه وزیر مالیه آنرا امضاء کند دیوان محاسبات آنرا تصدیق کند چنانکه در قانون محاسبات عمومی هم ذکر کرده است که وزیر مالیه هیچ حواله را امضاء نخواهد کرد مگر آنکه قبلاً در دیوان محاسبات امضاء شده باشد بتایر این در وظائف دیوان محاسبات این جمله باید قید شود حالانکه خیال میکنم در کلیات یعنی در لزوم دیوان محاسبات مخالفتی نباشد این است که خوب است کلیات را رأی بدهیم و بعد در مواد مذاکره کنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایانیکه بورود در شور مواد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

در تأسیس و تشکیل دیوان محاسبات

ماده ۱ - دیوان محاسبات دارای سه شعبه است هر شعبه مرکب از يك رئیس و دو مستشار رئیس شعبه اول سمت ریاست کل دیوان محاسبات را خواهد داشت. دیوان محاسبات دارای نه عضو قائم مقام و هر يك از شعب بدو کافی دارای همیز خواهد بود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده اصولاً که موافقت را با این لایحه دارم زیرا این یکی از لواجیح اساسی است که آقای وزیر مالیه آورده اند چنانکه همه کار های ایشان اساسی است اینهم یکی از لواجیح بسیار خوب اساسی است عرضی که داشتم در تنظیم این ماده اول است این ماده بعقیده بنده متشکراً نوشته شده است یعنی از اول باید بنویسند که بر طبق این قانون دیوان

محاسبانی تشکیل میشود آنوقت بعد بنویسند که دیوان محاسبات دارای سه شعبه است این است که بنده در این موضوع هم پیشنهادی کرده ام که اول نوشته شود بعد از تصویب این قانون دیوان محاسبات باید تشکیل بشود آنوقت شرح بدهیم که دیوان محاسبات چه طور است

مخیر - توضیحی است در واقع در طرز نوشتن ماده منعی ندارد پیشنهاد بفرمائید در کمیسیون مذاکره میشود

رئیس - پیشنهادی از آقای دکتر طاهری رسیده است

متناسب با گفته شدن قرائت میشود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میشود ماده اول بطریق ذیل نوشته شود

ماده اول - بعد از تصویب این قانون دیوان محاسبات

در مرکز تشکیل میشود دیوان محاسبات دارای سه شعبه خواهد بود تا آخر ماده

رئیس - ماده دوم قرائت میشود

ماده دوم - برای دیوان محاسبات بکنفر مدعی العموم و

بعده کافی و کسبل عمومی معین میشود

رئیس آقای فهمی

فهمی - موافقم

رئیس - آقای دیبا

طلبانی دیا - بنده هم عرضی ندارم. مطابق همان

پیشنهادی که عرض کردم تقیده بنده این است که این ماده ماده

بخصوصی باشد صحیح نیست این در ذیل ماده اول باشد بهتر است

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

ماده سوم - الف - انتخاب اعضاء دیوان محاسبات بطریق

ذیل بعمل میآید.

وزیر مالیه ۲۷ نفر را بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد

نمود مجلس از بین آن اشخاص ۱۸ نفر را معین میکند که

وزیر مالیه نه نفر آنها را بر ریاست و عضویت شعب سه گانه

دیوان محاسبات منصوب نماید - نه نفر دیگر عضو قائم مقام

بوده و در موارد ذیل بر ریاست شعب با عضویت دیوان محاسبات

منصوب میشوند

۱ - در مورد فوت یا استعفاء یا تقاعد یکی از رؤساء با
اعضاء شعب

۲ - اگر وزیر مالیه تغییر یکی از رؤساء با اعضاء دیوان
محاسبات را لازم بینند.

انتخاب اعضاء دیوان محاسبات از طرف مجلس هر سه سال
يك مرتبه تجدید خواهد شد اعضاء سابق را مجدداً میتوان
تجدید کرد.

اگر در موقع تجدید انتخاب مجلس تعادل باشد در دو ماه
اول پس از افتتاح مجلس تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد.

ب - اشخاص ذیل نمیتوانند بریاسب یا عضویت دیوان
محاسبات منصوب شوند مگر اینکه قبل از انصاب به سمت های
مزبور از شغل خود استعفا دهند.

۱ - نمایندگان مجلس شورای ملی و اعضاء انجمنهای
بلدی. ۲ - کسانی که دارای شغل دولتی بوده و یا منصوبی
یکی از معاملات دولتی باشند.

تبصره ۱ - استعفائی که برای قبول ریاست یا عضویت
دیوان محاسبات داده میشود موجب تنزل رتبه نخواهد شد

تبصره ۲ - در هر مورد که یکی از اعضاء دیوان
محاسبات بطور موقت غالب باشد رئیس کل دیوان مزبور
یکی از اعضاء قائم مقام را موقتاً بجای او دعوت خواهد
کرد در این مورد مقررات بند ب رعایت نخواهد شد.

رئیس - آقای قهیمی

قهیمی - بنده موافقم

رئیس - آقای کاشف

کاشف - در شوق يك از بنده مینویسد نمایندگان مجلس
شورای ملی و اعضاء انجمنهای بلدی البته در قسمت نمایندگان
مجلس شورای ملی دلایل با خودی است و خیالی واضح
است ولی بنده دلیل برای محرومیت اعضاء انجمنهای
بلدی ننهیدم مگر اینکه آقای وزیر مالیه يك توضیحی
بدهند ممکن است بفرماید اصولاً در اعضاء انجمن بلدی
اعضاء بارتیه شاید باشند آنوقت این يك دلیل میشود اما
از طرف دیگر ممکن هم هست باشد در هر صورت يك

باین مناسبت اینجا ذکر شده است که رعایت این قسمت
نخواهد شد اما در آن قسمت سؤال اول که فرمودید
دیوان محاسبات اساساً تعطیل نمیتواند باشد و باید کار خودش
را بکند اگر اتفاقاً تصادف کرد آخر دوره کار اعضاء
دیوان محاسبات با وقتی که مجلس تعطیل است
بین این دو مجلس دیوان محاسبات باید مشغول کار خودش
باشد تا اینکه مجلس بعد بیاید و يك اشخاص دیگری را
انتخاب کند.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - در این ماده در جواب بنده آقای
وزیر مالیه فرمودند که اعضاء دیوان محاسبات باید اعضاء
بارتیه باشند در اینصورت بنده عقیده ام این است که
اصح شود در ماده عیبی ندارد پیشنهادیم تقدیم کرده ام
و بعد هم راجع بآن مسئله تغییر که عرض کردم جوابی
فرمودند که حقیقه بنده قانع نشدم عدّه را که مجلس
شورای ملی انتخاب میکنند وزیر مالیه نباید آنها را تغییر
بدهد ولی آن ترتیبی هم که فرمودند در مقام عمل اسباب
اشکال میشود این را هم بنده تصدیق دارم این است که
بنظر بنده يك جد وسطی رسید که اگر يك موقعی
وزیر مالیه تغییر یکی از اعضای دیوان محاسبات را لازم بداند
با شور کمیسیون قوانین مالیه مجلس باشد يك پیشنهادیم در
این زمینه تقدیم کردم که در کمیسیون مطرح شود و
اگر این ترتیب اصلاح شود بنظر بنده بهتر است.

وزیر مالیه - باز بخواهم تکراراً عرض کنم که
مجلس شورای ملی نه ضرر را معین نمی کند هیچده ضرر
معین میکند و بنا بر این اگر وزیر مالیه بکتر از آنها
را با بکتر دیگری تبدیل کند بر خلاف انتخاب مجلس
شورای ملی رفتار نخواهد کرد و عقیده فعلی بنده این
است که جد وسطی هم که آقا فرمودید متأسفانه نتوانم
قبول کنم ولی معذراً ضرری ندارد پیشنهاد آقا را هم
در آنجا شور و میکنیم خودشانهم تشریف میآورند و امید وار
هستم که بنده آقا را بتوانم قانع کنم.

رئیس - آقای مالک مهدی

مالک مهدی - بنده می خواهم که آقای وزیر مالیه
اینجا يك توضیحی بدهند راجع بقسمتی که فرمودند اعضاء
دیوان محاسبات باید از اعضاء بارتیه دولت باشند بنده
نصیر میکنم اگر چنانچه ما این را با اختیار وزارت مالیه
بگذاریم و عقیده نکنیم که از اشخاص سابقه و از مستخدمین
دولت باشد شاید يك منافی هم تصور بشود منافعی این
است که بیست و هفت نفری را که می خواهد دولت بمجلس
پیشنهاد کند شاید يك اشخاصی در خارج باشند که این
ها حقیقه از نظر صلاحیت نافع باشند و پیش خودشان
اینها هم يك اشخاصی باشند که طرف اعتماد باشند و بتوانند
انجام وظیفه کنند در حالی که سابقه خدمت نداشته باشند
زیرا يك اشخاصی هستند که يك سوابق خوبی دارند
اطلاعات و مأموراتی دارند ولی قانون استخدام آنها را مجروح
کنند بنده چون بطرز فکر آقای وزیر مالیه آشنا هستم بمقدم
که خیلی در مسائل و قوانین دایل نیستند که چه بود داشته
باشند بخواهم عرض کنم اگر موافقت میفرمائید پیشنهاد
کنم و این با اختیار خودتان باشد در آن لایحه هم همینطور
نصیر میکنم اگر واقعاً يك اشخاصی باشند که صلاحیت
داشته باشند و مستخدم هم نباشند اینها را هم در نظر بگیریم
شاید هم نافع باشد شاید در عمل دیگران هم باشند که يك
استفاده عالی بدهند و وجودشان هم نافع باشد.

مخبر - عرض کنم بطوریکه آقای وزیر مالیه در شور
کلیات توضیح دادند اعضاء دیوان محاسبات باید حتماً
اشخاصی باشند که در کار مالیه و مخصوصاً محاسبات سابقه
داشته باشند و الا اعتماد تنها کافی نخواهد بود زیرا دیوان
محاسبات نمیتواند مهمل بماند که اشخاص دوزخین کار سابقه
پیدا کنند حتماً باید اشخاصی باشند که اطلاع داشته باشند
از جریان مالیه از طرز حساب و حوالجات ممکن است در
خارج اشخاصی باشند که طرف اعتماد باشند و کلیه مستخدمین
هم اشخاصی هستند که طرف اعتمادند و سوابق هم دارند
وزیر مالیه هستند در اینصورت البته مقتضی نیست غیر از اشخاصیکه

مشور و قانون استخدام هستند از خرج کسی را انتخاب کنند
رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده راجع بآن قسمت در غیبت مجلس
که عرض کرده منظورم توضیح بود چون مطالب خیلی روشن
نبود حالا باین توضیحی که آقای وزیر مالیه فرمودند عقیده
بنده این است که در کمیسیون يك اصلاحی لازم دارد برای
اینکه این ماده نمیفهمند زیرا در ماده باصراحه مینویسد
مدت مأموریت آنها سه سال خواهد بود و عقیده بنده با
آن نظری که دارند این ماده باید اصلاح شود هر قسم که
مقتضی است این را اصلاح کنند.

وزیر مالیه - ممکن است پیشنهاد بدهید

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - در قانون سابق راجع بفرست رئیس کل
پیش بینی کرده که در موقع غیبت او بکنفر از رؤسای محاکم
که مدت خدمتش بیشتر است قائم مقام او میشود ولی در
این قانون پیش بینی نشده و بعضی تکالیف و اختیاراتی رئیس
کل دارد از قبیل انتخاب مستشاران و غیره ولی در اینجا
مماور نیست اگر رئیس کل تاخوش بود، تلاچه حالی خواهد
داشت بنده تصور میکنم خوب است توضیحی بدهید.

وزیر مالیه - قانون سابق را ملاحظه فرمائید که آن
میکند ۱۴۱ ماده باشد و این قانون ۴۶ ماده است صد ماده
از آن قانون برداشته شده است و اینجا در ماده ۳۸ میگوید
طرز رسیدگی دیوان محاسبات و سایر امور مربوطه بدیوان
مزبور به موجب نظامنامه های وزارت مالیه معین خواهد
شد این است که این ماده بکثرتی نوشته است که تمام
موادی که لازم باشد راجع بدیوان محاسبات چه آنچه که
در قانون سابق نوشته شده و چه آنچه چیزی که بعداً تصور
بشود لازم است در آن نظامنامه ها نوشته می شود.

رئیس - آقای معمل

معمل - بیان آقای مخبر کمیسیون در جواب آقای ملک
مدعی بانظر بنده قانع کننده نبود برای اینکه فرمودند سبب
این قضیه این است که بابستی اعضای دیوان محاسبات

بداشتن اشخاص با سابقه بارتبه های مهم برویم و يك اشخاص
تازه پیدا کنیم بنظر بنده این خیلی دور از احتیاط است
و يك تجدیدی است بر بودجه مملکت.

رئیس - پیشنهادات ماده سوم قرائت میشود.

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد مینمایم فقره ۲ باین ترتیب اصلاح شود اگر وزیر
مالیه بشود کمیسیون مالیه مجلس تغییر یکی از الی آخر
پیشنهاد آقای کاشف

اینجناب پیشنهاد مینماید که جمله (و اعضای انجمن های
بلدی) از شق (يك) از بند (ب) از ماده ۲ حذف شود
پیشنهاد دیگر آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ رتبه و سابقه استخدام اجزاء
دیوان محاسبات تصریح شود

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم که جمله قبل از بند (ب) از ماده
سه بطریق ذیل اصلاح شود

اگر در موقع تجدید انتخاب اجزاء دیوان محاسبات مجلس
تعطیل باشد اجزاء سابق بکار خود ادامه داده و در ظرف
دو ماه اول پس از افتتاح مجلس تجدید انتخاب بعمل
خواهد آمد.

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

پیشنهاد میکنم در قسمت ۲ از ماده ۳ بعد از عبارت
(اگر در موقع تجدید انتخاب مجلس تعطیل باشد) این قسم
اصلاح شود و همان اجزاء منتخبه مسئول بر مقام خود باقی
خواهند بود و پس از افتتاح مجلس در ظرف دو ماه اول
پس از افتتاح تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - مدعی العموم دیوان محاسبات از طرف وزیر
مالیه و بموجب فرمان همایونی تعیین خواهد شد
رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

طباطبائی دیبا - در ماده دوم راجع بوکلای عمومی هم
ذکر شده است بنده نظرم می آید که مدعی العموم و وکلای

عمومی هم مثل قضات هستند و با فرمان همایونی باید باشد
و اینجا فقط مدعی العموم را ذکر کرده است اگر آنها هم
از قضات هستند باید نوشته شود مدعی العموم و وکلای عمومی

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - موافقم.

رئیس - همان نوبه شصت فرمائید.

مخبر - نظرشان را نمکن است پیشنهاد بدهند و در
کمیسیون مذاکره شود.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - تمیزین دیوان محاسبات و اجزاء دفتری
دیوان مزبور را وزیر مالیه در حدود مقررات قانون
استخدام معین میکند.

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

حدود و وظایف دیوان محاسبات

فصل اول - در کلیات

ماده ششم - دیوان محاسبات موافق قوانین و نظامات
در عایدات و مخارج و اموال دولتی نظارت و تقایش
می نماید.

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد می نمایم ماده ۶ بترتیب ذیل اصلاح شود
دیوان محاسبات موافق اصل ۱۰۲ قانون اساسی در
عایدات و مخارج الی آخر

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود:

ماده هفتم - دیوان محاسبات حسابهای وزارتی و
ادارات مستقلة دولتی را در حدود قوانین و نظامنامه های
مربوطه رسیدگی کرده و در صورت صحت حساب تصدیق
نامه مطابقت میدهد.

رئیس - ماده هشتم

فهیمی - بنده اجازه میخواهم

رئیس - در ماده هفتم؟

فهیمی - بلی

رئیس - خواهش میکنم وقتی من اعلان ختم میکنم
دشوار است در مرتبه اجازه دادن قدری زودتر فرمائید.

فهیمی - ماده هفتم يك نصی دارد چونکه فقط نوشته شده است حسابهای وزارتخانه ها و ادارات مستقره را رسیدگی میکند در صورتیکه علاوه بر اینکه حسابهای وزارتخانه ها را رسیدگی میکند و تصدیق میدهد کلیه صاحبان جمع که در وزارتخانه ها هستند باید کلیه حسابشان را بآنها بدهند اسناد خرج را بدیوان محاسبات تحویل بدهند و مفاصا بگیرند و جای این مطلب هم در همین جاست زیرا مطابق قانون اساسی هم اسناد خرج کلیه باید بدیوان محاسبات تسلیم شود و بعد از آنکه اسناد خرج را تحویل گرفت و حساب صاحبان جمع را رسیدگی کرد مفاصا بدهد و حساب وزارتخانه ها را که مینویسیم شامل صاحبان جمع که مسؤول دیوان محاسبات هستند نمیشود صاحبان جمع دولتی اعم از پیشکاران مالیه یا رؤسای بزرگ پست و تلگراف هر اداره که جمعی دارد یا محاسبین و متصدیان طرق و شوارع اینها علیحده خودشان صاحب جمع حساب میشوند و باید حساب خودشان را با اسناد خرجی که در دست دارند بدیوان محاسبات تحویل بدهند و مفاصا بگیرند این است که برای تکمیل این ماده بنده پیشنهادی مکرره ام که تقدیم می کنم.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده در این دو ماده شش و هفت يك عرضی دارم و آن این است که ما بایستی همیشه قوانین موضوعه را ملاک قرار دهیم که رسیدگی شود نظامنامه هائی که قانونی نیست این را بگوئیم که بر طبق نظامنامه سابق رسیدگی کنند بقیده بنده لزومی ندارد و اگر نظامنامه در حدود قوانین است تابع همان قوانین است پس ماده ششم و هفتم بنده پیشنهاد هم خواهم کرد این کلمه نظامنامه ها برداشته شود این یکی و عرض دیگرم این است که اینجا يك موضوعی مذاکره شد در قانون نسبت ولی مذاکره شده حوالجات قبلا باید بصوب دیوان محاسبات برسد در این لایحه چنین چیزی نیست و بنظر بنده اگر بخواهیم این را بنویسیم

باید این کار را بکند قبلا و حالا آقا اشکال میکنند راست است که رسیدگی هر جا که باشد در هر موضوعی اسباب اتلاف وقت است بيك معنی اسباب معطلی است محل صحبت هم ممکن است بشود برای اینکه شما هر وقت بخواهید بيك صفحه چیزی را بخوانید البته با آن اندازه که میخواهید معطل کرده اید آن صفحه را ولی آیا بایستی حساب مملکت و پول مملکت بدون رسیدگی خرج بشود و بدون رسیدگی جریان پیدا کند البته نباید بشود دیوان محاسبات فایده عمده اش این است که جلوی را بگیرد اگر بنا شد که خرجی شد تازه بيك کسی را محاکمه میکنند این نتیجه مفیدی نیست و الان همین کار را تقریباً رسیدگی به حسابات در وزارت مالیه میکنند چون دیوان محاسبات نیست و آن روزی که دیوان محاسبات شد اینکار را خواهد کرد یعنی دیوان محاسبات بيك دستگاه مخصوصی برای خودش خواهد داشت یعنی همین ها انتقال پیدا میکنند بانجا و آن اسناد را تهیه میکنند دیوان محاسبات آنوقت رسیدگی میکند و بعد از آنکه رسیدگی کرد وزیر مالیه حواله را امضاء خواهد کرد درخواستها را امضاء خواهد کرد اگر غیر از این باشد فایده ندارد دیوان محاسبات و بنابر این بنده نمیدانم که اگر غیر از این باشد آقا اصل قانون اساسی را چه جور تفسیر می فرمایند که دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معین در بودجه از میزان مقرر تجاوز نکرده و تغییر و تبدیلی نپذیرد و هر چه در محل خود بصرف برسد یعنی بعد از اینکه بصرف رسید او مواظب است خوب اینکه محاکمه کردن است پس آن اساس و قدرت دیوان محاسبات روی همین است که قبل از آنکه محل داده شود بدست کسی که باید خرج کند به بیند در حدود اعتباراتی است که داده شده بانه الان هم وزارت مالیه همین کار را میکند منتهی این کار کار فاقسی است این کار دیوان محاسبات است و باید دیوان محاسبات این کار را بکند گمان میکنم خود آقا هم موافق شده باشند.

رئیس - پیشنهادی رسیده است.

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد می کنم در آخر ماده ۷ جمله ذیل اضافه شود و بحساب صاحبان جمع نقد و جنس دولتی که باید حساب خود را بدیوان محاسبات بدهند رسیدگی کرده پس از معاینه و جمع آوری اسناد خرج مفاصا بدهد.

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - دیوان محاسبات میتواند از وزارتخانه ها و ادارات در حدود مقررات هر نوع اطلاع و مدارک و اسنادی که متعلق به عایدات و مخارج دولت است خواسته و مستقیماً با آنها مکاتبه نماید.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده این جا يك مطلبی را عرض کردم و آقای وزیر مالیه جوابی فرمودند و آن این بود که اصل صدور سوم قانون اساسی مکتوبید ترتیب و تنظیم و اداره دیوان بموجب قانون است و عقیده ام این بود که جایش همین جاست و بيك چند ماده هم راجع به ترتیب و تنظیم دیوان محاسبات در همین فصل بایستی ذکر شود این بيك تذکری بود که عرض کردم و جوابی هم فرمودید یکی هم این بود که اینجا ذکر میشود دیوان محاسبات از ادوات در حدود مقررات هر نوع اطلاع و مدارک و اسناد را میتواند بخواند ولی قبلا باید ذکر شود که ادارات و وزارتخانه ها هم مکلفند اطلاعات و اسناد و مدارک را هم بدهند اگر این هم ضمیمه شود ضروری ندارد.

مخیر - بنده تصور میکنم آقای وزیر مالیه جواب آقای نماینده محترم را داده باشند موقفی که ماده ۳۸ را قرائت کردند فرمودند که قانون سابق جزئیات عملیات دیوان محاسبات را مینوشت و صدور چهل و بيك ماده بود و این لایحه چهل و بيك ماده بیشتر نیست بدیهی است بيك قسمت از این جزئیات را در نظامنامه ها قید خواهند کرد ماده ۳۸ را که قرائت کردند ماده است که توضیح میدهد مینویسد طرز رسیدگی دیوان محاسبات و سایر امور مربوط بدیوان مزبور بموجب نظامنامه های وزارت مالیه معین خواهد شد.

(طباطبائی دیبا - نظامنامه نباید باشد) اگر آقا بهتر می دانند که در قانون ذکر شود بهتر این است که يك پیشنهادی بدهند و در کمیسیون مذاکره شود .

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد بنمایم در ذیل ماده هشت این جمله ذکر شود و وزارت خانه ها و ادارات هم مکلف بدان اطلاعات و اسناد و مدارك خواهند بود .

رئیس - ماده نهم قرائت میشود :

فصل دوم - تقیثی در مخارج

ماده ۹ - در حدود نظامنامه های مربوطه کلیه اسناد واجع بمعاملات و تمهیدات و تصویب مخارج باید در دیوان محاسبات ثبت و تسجیل گردد .

رئیس - آقای قهییمی

قهییمی - این ماده بطوریکه در ضمن مذاکره در کلیات بنده عرض کردم ناقص است بجهت اینکه دیوان محاسبات در امور محاسبات و غیره رویهم رفته باید رسیدگی کند و تصدیق کند اما کار عمده او تصدیق حوالجاتی است که صادر میشود چون دیوان محاسبات باید دفتری داشته باشد از برای هر وزارتخانه و آنرا تقسیم بکند بصفحاتی مطابق عین مواد بودجه هر وزارتخانه که اعتبار هر قسمت را در آن صفحه بنویسند بعد مندرجاً هر قدر حواله از آن بابت صادر میشود حوالجات را بعد اینکه مطابق قانون و محاسبات دید در آن صفحه ثبت میکنند بطوریکه همیشه بدانند که چقدر اعتبار از برای این ماده تصویب شده و چقدر خرج شده و چقدر باقی مانده تمام حوالجات قبل از آنکه بتصدیق و امضای وزارت مالیه میرسد باید در دیوان محاسبات امضاء شود در قانون محاسبات عمومی هم ذکر شده است که هیچ حواله را وزارت مالیه امضاء نخواهد کرد مگر اینکه قبلاً بتصویب دیوان محاسبات رسیده باشد بنابراین پس از اینکه در این ماده نوشته شده است لازم است اضافه شود کلیه حوالجات اعتباری قبل از اینکه بامضاء وزیر مالیه برسد باید در دیوان محاسبات تصدیق و امضاء شود تا از روی

این اصل دیوان محاسبات قادر باشد از برای اینکه لایحه تفریح بودجه را در موقعش تقدیم مجلس کند

مخبر - صورتهایم مخالفی باشد پیشنهاد آقای کبیر - بیون مطالعه میشود و در نظر گرفته میشود .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای قهییمی

بنده پیشنهاد میکنم جمله ذیل بآخر ماده ۹ الحاق شود و همچنین کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری قبل از امضای وزیر مالیه باید در دیوان محاسبات تصدیق و امضاء شود

رئیس - ماده دهم قرائت میشود :

ماده دهم - در صورتیکه اسناد مذکوره در ماده فوق در دیوان محاسبات تسجیل نشده باشد دیوان مزبور در موقع دادن راپرت سالیانه صورتی از آن اسناد و احکام و میزانی که بر خزانه دولت از آن راه تحمیل میشود جداگانه تنظیم کرده و بلا لایحه تفریح بودجه ضمیمه میکند .

رئیس - آقای قهییمی

قهییمی - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - از مفاد این ماده دهم همچو استنباط میشود که حوالجات اگر بتصویب دیوان محاسبات هم نرسید پرداخته میشود زیرا که مینویسد از اسناد مذکوره آنچه در دیوان محاسبات تسجیل نشده باشد در موقع راپرت سالیانه باید صورتی از آن بنویسند که چقدر از این محل بر خزانه دولت تحمیل میشود اگر چنانچه بنا باشد حوالجات بدون تسجیل و تصویب دیوان محاسبات پرداخته نشود دیگر این ماده اصلاً معنی ندارد که اگر اسنادی تسجیل نشد آنوقت در موقع راپرت سالیانه دیوان محاسبات راپرت بدهند که مثلاً تخلف کردند و بدون تصویب من این اسناد امضاء شده این است که بنده خواستم آقای مخبر توضیح بدهند مقصود چه چیز است .

مخبر - عرض کنم که اصل این است که هیچ حواله بدون تصویب دیوان محاسبات پرداخته نمیشود و هیچ

بمجلس شورای ملی اطلاع داده شود که این وزیر مالیه این کار را کرد تا این است که از برای مواقعی است که يك کار فوری و فوری است و وزیر مالیه اجازه داشته باشد این از برای جلوگیری آنست که يك وزیر مالیه وقتی دید يك راپرتی بایستی بمجلس شورای ملی داده شود و باید راپرت در مجلس قرائت شود و بهش رسیدگی شود البته امیدوار هستیم که این کار را نکند نه از برای اینکه اتفاقاً يك همچو ضرورتی پیش بیاید (دکتر طاهری - درست عکس آنچه که آقای مخبر فرمودند) خوب ممکن است ایشان در آن موقع شاید حواشان جای دیگر بوده است و کاملاً توجه فرموده اند

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای افسر

افسر - عرایض بنده گفته شد

رئیس - ماده دزدهم قرائت میشود :

ماده دزدهم - هرگاه دیوان محاسبات در سندی که برای تسجیل فرستاده شده تخطی از نظامات و قوانین مشاهده کند از ثبت آن امتناع نموده و دلایل خود را توسط رئیس کل بوزارتخانه یا اداره مستقل مربوطه و وزارت مالیه ارسال میدارد .

هرگاه وزارتخانه یا اداره مربوطه بدلائل دیوان محاسبات متقاعد نشد باید موضوع را به هیئت وزراء رجوع کند - هیئت وزراء در صورتیکه نظر وزارتخانه یا اداره مربوطه را تصدیق کرد بدیوان محاسبات تکلیف تجدید نظر خواهد نمود .

اگر دیوان محاسبات پس از تجدید نظر نیز بفقیده اول خود باقی ماند سند مورد بحث را با قید نظر خود تسجیل نموده و در موقع راپرت سالیانه و لایحه تفریح بودجه راپرت آنرا خواهد داد .

رئیس - ماده دوازدهم :

ماده دوازدهم - مسئولیت وزراء با تسجیل دیوان محاسبات مرتفع نمیشود .

رئیس - ماده سیزدهم :

ماده سیزدهم - دیوان محاسبات مراقبت خواهد کرد که

خرجی هم بعمل نیاید ولی از طرف دیگر ممکن است محال نیست موقعی پیش بیاید که خرجی لازم شود و فرصت نباشد که پرداخت این خرج از جریان معمولی و عادی بگذرد در این موقع البته يك شخص مسؤولی باید اجازه پرداخت بدهد و غیر از وزیر مالیه البته کسی نیست این مورد البته در ضمن عمل پیش نخواهد آمد مگر در موارد نادره و اگر چنانچه وزیر مالیه ممنوع شود از این اجازه با گرفتن مسئولیت آن با اینکه دیوان محاسبات باید توضیح بدهد که چه شده است جریان معمولی را طی نکرده است در این موقع آن خرج توفیف میشود . این برای موقعی است که يك امر مهمی پیش بیاید .

رئیس - آقای معدل

معدل - مطلب بنده همین بود که آقای دکتر طاهری فرمودند ولی باز بیان آقای مخبر کافی نبود . اگر منظور این باشد که آقای مخبر میفرمایند این ماده راه را برای همه غیر از آقای وزیر مالیه هم باز کرده این اینطور میفهماند که خبر هر چه را آنها تصدیق کردند بحساب گذاشته میشود و هر چه را که تصدیق نکردند فقط بجزایش این است که در آخر سال ضمیمه لایحه تفریح بودجه بشود بنده خیال میکنم باید همه را ممنوع کرد و اگر منظور که آقای مخبر عقیده دارند يك ماده بجای آن گذاشته شود که در مواقع فوری و مهم و ضروری وزیر مالیه حق داشته باشد این کار را بکند و صورتی ضمیمه لایحه تفریح بودجه بکند

وزیر مالیه - عرض کنم بنده نبودم در جلسه موقعی که آقای دکتر طاهری بیاناتی فرمودند و حالا از قرینه فرمایشات نماینده محترم استنباط کردم که چه اشکالی شده بود و گمان میکنم آقای مخبر شاید بطوری که لازم بوده است دقت فرموده اند این ماده از برای آن موازیدی که ایشان گفتند نیست که موازید فوری باشد و فوری باشد و وزیر مالیه امضاء کند این ماده برای پیش بینی این است که اگر يك وزیر مالیه برخلاف ترتیب دستور داد و حواله کرد بدون آنکه دیوان محاسبات آن حواله را امضاء کرده باشد بایستی در ضمن لایحه جداگانه

مخارج از بودجه و اعتبارات مصوبه تجاوز نماید.
رئیس - ماده چهاردهم:
 فصل سوم - در نظارت در وصول عایدات و اموال نقدی و جنسی دولت؛
 ماده چهاردهم - وزراء و رؤسای ادارات مستقله همه ساله صورت عواید و مخارجی را که در دوره عمل توسط ادارات تابعه آنها بعمل آمده بدیوان محاسبات میفرستند
رئیس ماده پانزدهم:
 ماده پانزدهم - حساب صندوق تحویلداران دولتی در حدود نظایمهای مربوطه باتعین کلیه موجودی صندوق اعم از نقد و اسناد در آخر هر سال تقدیم دیوان محاسبات می شود.
رئیس - ماده شانزدهم:
 (فصل چهارم - در معاینه بحساب وزراء)
 ماده شانزدهم - صورت حسابی که هر يك از وزراء و رؤسای ادارات مستقلاً طبق ماده ۱۴ در آخر هر دوره عمل باید بدهند با محاسبات كل ماله قبل از پیشنهاد به مجلس شورای ملی توسط وزیر ماله بدیوان محاسبات داده خواهد شد.
رئیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - بنده عقیده ام این است که این ماده تقریباً از روی همان قانون سابق نوشته شده که وزراء يك مسئولیت حسابی داشتند و يك چیزی دستشان بوده در صورتیکه با وضعیت فعلی اصلاً وزیر حسابی ندارد کاری دستی نیست اداره محاسبات همه جا از طرف خود دوزارت ماله در تمام وزارت خانه ها هست یا اینکه وزارتخانه ها باید بنویسند والا وزراء کاری دستشان نیست غیر از ریاست وزارتخانه در قسمت مالی کاری دست وزیر نیست.
وزیر ماله - بنده تصور نمیکنم که اختلاف نظری بین آقا بنده باشد برای اینکه آنچه در لایحه پیشنهاد شده است چیست در يك ماده میگوید که رؤسا و ادارات مستقله همه ساله صورت عواید و مخارجی را که در دوره عمل توسط ادارات تابعه آنها بعمل آمده بدیوان محاسبات میفرستند طبیعی است که با معنای وزیر این صورت فرستاده میشود

ماده بیستم - رسیدگی و تصدیق حسابهای وزارتخانه ها و محاسبات كل ماله و مذاکرات راجع بلاوجه قانونی تفریح بودجه و راپورت مذکور در ماده ۱۹ باید در هیئت عمومی دیوان محاسبات بعمل آید.
رئیس - ماده بیست و یکم:
 فصل پنجم - در محاکمه محاسبات
 ماده بیست و یکم - دیوان محاسبات در باره حسابهای صاحبان جمع نقدی دولت و اجناسی که در حکم نفوذ است و حساب مأمورینی که مأمور یا متصدی دریافت و پرداخت و محافظه وجوه دولتی هستند رسیدگی کرده و حکم میدهد دیوان محاسبات نسبت بحساب صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده و تصدیق میدهد.
رئیس - ماده بیست و دوم:
 ماده بیست و دوم - احکام دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکوره بدون استیناف خواهد بود
رئیس - ماده بیست و سوم
 ماده بیست و سوم - در موارد ذیل دیوان محاسبات رأساً حکم بتسلیم صورت حساب خواهد کرد:
 ۱ - در صورتیکه در مواعد مقرر صاحب جمع صورت حساب را تسلیم نکرده باشد.
 ۲ - در موقع انفصال صاحب جمعی از مأموریت خود
 ۳ - وقتی که در یکی از ادارات تشخیص داده شود صندوق صاحب جمعی کسر پیدا کرده است.
 در هر يك از این سه موقع مدتی که باید در ظرف آن صورت حساب تسلیم شود حکم دیوان محاسبات معین خواهد شد و حکم مزبور با اهتمام مدعی العموم و بتوسط اداره متبوعه صاحب جمیع بمشارالیه ابلاغ میشود.
رئیس - ماده بیست و چهارم:
 ماده بیست و چهارم - هرگاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات میتواند مجرم این امر حکم کند تا مبلغی که از نصف حقوق و مدد معاش

سالیانه او متجاوز نباشد از مقرری آن صاحب جمع کسر شود و نیز می تواند پس از رسیدگی نسبت با اهمیت مورد حکم انفصال موقت یا دائم او را صادر نماید - این اقدام مانع نخواهد بود که اگر صاحب جمع مرتکب عملی که مشمول یکی از قوانین جزائی است شده باشد برای آن عمل در دیوان جزای عمل دولت تعقیب شود.

اگر صاحب جمعی که محکوم بکسر حقوق شده باز هم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات صاحب جمع با اهتمام مدعی العموم مراتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کتدر هر نوع مخارجی که از این بابت حاصل شود بدهنده صاحب جمع است.

رئیس - آقای ارباب

ارباب کبکخسرو - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانیچی

طهرانیچی - در این قسمت نوشته اگر صاحب جمع در مدتی که معین کرده حساب خودش را نداد باید جریمه بشود و بعد هم می نویسد که میتواند پس از رسیدگی نسبت با اهمیت مورد حکم انفصال موقت یا دائم او را صادر نماید جمله پس از رسیدگی باید بعد از دادن صورت حساب باشد و الا اگر حساب را نداد آن مدت را هم که معین کردند گذشت حق دارد نصف حقوق سالیانه آصاحب جمع را جریمه کند و حکم انفصال موقت یا دائم او را بدهد هنوز که صورت حسابی نداده که رسیدگی کنند.

وزیر ماله - بنده تصور میکنم که يك اشتباهی در مطلبه با در خبر باعث این سوء تفاهم شده عبارت ساده باید این طور باشد و نیز می تواند نسبت با اهمیت مورد و پس از رسیدگی حکم انفصال موقت یا دائم او را صادر نماید یعنی پس از رسیدگی باینکه مورد خبلی هم است نه حساب که آیا تقصیر این آدم در ندادن حساب تقصیر مهمی است یا قصور است این موضوع باید رسیدگی شود

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود

اده ۲۵ - دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب در

باب نتیجه آن حکم صادر می کند این حکم قابل اعتراض است.

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود.

ماده ۲۶ - مدعی العموم حق دارد از هر حسابی که مشمول این قانون باشد اطلاع بپرسد.

رئیس - ماده بیست و هفت قرائت میشود.

ماده ۲۷ - هر که دیوان محاسبات در ضمن رسیدگی حساب عمل مشاهده کند که مشمول یکی از قوانین جزائی است موضوع را بنسبت مدعی العموم دیوان محاسبات برای تعقیب بوزارت عدلیه اطلاع خواهد داد.

رئیس - ماده بیست و هشت قرائت میشود.

ماده ۲۸ - محاکمات راجع بحساب در دیوان محاسبات عالی است.

رئیس - ماده بیست و نه قرائت میشود.

ماده ۲۹ - احکام دیوان محاسبات بطریق فوق العاده در تحت دو عنوان ممکن است طرف ابراد واقع شود: ۱- بعنوان نقض حکم - ۲- بعنوان تجدید نظر اقدام بدو سیاه فوق ممکن است هم از طرف صاحب جمع و هم از طرف مدعی العموم بعمل آید اعتراض بانقضای نقض موجب توقیف احکام اصلی نمیشود مهلت تقاضای نقض از تاریخ ابلاغ حکم بصاحب جمع یکماه است.

رئیس - ماده سی قرائت میشود.

ماده ۳۰ - تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود بر اینکه دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و بامرجهت آنکار را نداشته و آیا آنکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که بتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات دانست - لایحه این تقاضا بشورای دولتی پیشنهاد میشود و حکم شورای دولتی بنسبت وزارت مالیه بدیوان محاسبات ابلاغ میگردد مادام که شورای دولتی تشکیل نشده لایحه تقاضای نقض بهیشتی مرکب از سه نفر از مستشاران یا رؤسای شعب دیوان تمیز و دو نفر از اعضاء قائم مقام مذکور در مواد

از صدور حکم اسناد نازده بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبور در موقع تویبه حساب موجود بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد. ۴ - اگر آنحکم از روی اسناد جعلی صادر شده باشد آنوقت میگوید در سه شق اخیر چطور میشود این چهار تا است بجای چهار سه نوشته شده است این یککسبت است که چیز مهمی نیست بهقیده بنده ولی چیز دیگری که بنظر بنده اهمیت دارد این است که نوشته بعد از انقضای مدت سه سال از تاریخ صدور حکم تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که فلان خوب کی بنده میتوانم عرض حال بنده بنظر بنده بجای بعد از انقضای مدت سه سال بهتر است اینطور اصلاح شود پیشنهاد هم میکنم که این قسمت از ماده اینطور شود در شقوق چهار گانه بعد از صدور تا انقضای سه سال تقاضای

تجدید نظر قبول میشود در صورتیکه صاحب جمع الی آخر حالا ملاحظه فرمائید که بنده درست عرض میکنم بانه **وزیر مالیه** - آقای کالی که بنده خصوصاً يك ارادت فوق العاده زیادی دارم استاد هم هستند حق هم دارند از نقطه نظر ادبی در يك آهنگش و البته عبارت بکطورى نوشته شده است که باعث این اشتباه ایشان شده است اولاً تصور اینست که آن هم اول از برایش مرور زمان نیست و فقط چیزی که هست این اشتباه حساب را هر وقت باشد رفع میکنم این مرور زمان ندارد سه شق دیگر را برایش مرور زمان قابل میشوند تا سه سال هم مرور زمان جاری نمیشود سه سال

که گذشت مرور زمان جاری میشود یعنی دیگر بحساب نمیشود رسید مگر در سه مورد که ذکر کرده اند که بعد از آنکه مرور زمان هم جاری شد بعد از سه سال باز بیابند حکمی که پایه اش روی اسناد جعلی بود و بعد شخص مدعی ثابت کرد که این سند جعلی بوده است و حکمی از طرف مقامات صلاحیت دار بر جعلیت آن سند آورد آنوقت ممکن است با اینکه سه سال گذشته و مرور زمان حاصل شده باز رسیدگی کرد اگر ما اینطور نوشته بودیم که تا سه سال مرور زمان نسبت بحساب جاری نمیشود و بعد از سه سال که

مرور زمان جاری شده است در این سه مورد و باین شرایط میشود رسیدگی کرد و بطلب خیلی روشن بود و اسباب اشتباه نمیشد و ایرادی که گرفتند وارد نبود ولی بنامشانه عبارت بیچ داراست و برای ایشان تولید این اشتباه را کرده پس در این قسمت باز بعد ما توضیح خواهیم کرد در کمیسیون مقصود این است که باز این ماده نمیخواهد بگوید مرور زمان قبل از سه سال فقط میشود خیر میخواهد بگوید که مرور زمان سه سال است ولی بعد از اینست که مرور زمان جاری شد بعد از آنهم در این مورد سه گانه میشود تجدید نظر کرد اما در آن مورد اول نمیشود حالا پیشنهادشان را در کمیسیون می بینیم مطالبه می کنیم و عبارت را اصلاح میکنیم.

رئیس - پیشنهاد ایشان قرائت میشود.

پیشنهاد آقای کالی

بنده پیشنهاد میکنم که این قسمت از ماده ۲۷ باین ترتیب اصلاح شود در شقوق چهار گانه بعد از صدور حکم تا انقضای سه سال تقاضای تجدید نظر قبول میشود در صورتیکه صاحب جمع الی آخر

رئیس - ماده سی و سه قرائت میشود.

ماده ۳۳ - تجدید نظر ممکن است بنا بر تقاضای دیوان محاسبات با مدعی العموم وقوع یابد در اینصورت در موقع مذاکرات صاحب جمع با وکیلش باید حضور داشته باشد مدت تقاضای تجدید نظر همان است که در ماده ۳۲ ذکر شد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در ماده ۳۳ بنویسد تجدید نظر ممکن است بر حسب تقاضای مدعی العموم واضح است یعنی اگر حکمی دیوان محاسبات داد و مدعی العموم آراء عادلانه ندید تقاضای تجدید نظر میکند بنده ملتفت نمیشوم که چطور دیوان محاسبات خودش حکم میدهد خودش هم تقاضای تجدید نظر میکند این را خواستم بنم نظر چه بوده سهو شده یا خیر.

وزیر مالیه - خبر سهو نیست اگر معلوم شد که دیوان

محاسبات جهمی را غلط زده (دکتر طاهری - مدعی
العموم تجدید نظر کند) خود دیوان محاسبات در موفقی
که ماهانه حساب های دیگر را هم میکند ملتفت شود که در
آن حسابی که سابقاً رسیدگی ر کرده اشتباهی شده چه
مانعی دارد تجدید نظر بکند

رئیس - ماده سی و چهارم قرائت میشود:

ماده سی و چهارم - تجدید نظر فقط نسبت به قسمت های
که از حساب موافق ماده ۳۲ مورد ایراد واقع شده و
تصحیحاتی که نتیجه این عمل است مؤثر خواهد بود.

رئیس - ماده سی و پنجم

رئیس - ماده اجازه خواسته بودم. مخالفم

رئیس - با یادداشت آنرا که موفقی میدهد. مرفوع فرموده اید
که در ماده ۷ و ۹ مخالفم در سایر مواد موافقم

ولیر مالیه - مانعی ندارد. تقیر رأی داده اند

رئیس - بفرماید

رئیس - بنده با ماده موافقم ولی يك نفی دارد

موادی که راجع بتجدید نظر نوشته شده است معلوم نیست
که این تجدید نظر در کجا باید بعمل آید چون اول
معین شد که باید برود دیوان نیز با شورای دولتی ولیکن
تجدید نظر مخصوصاً حکم محکمه دیگر البته به آن
محکمه بر نمیگردد باید یکی از حاکم دیگر و شعب دیگر
رجوع شود و این را بنده لازم میدانم که در یکی از مواد
دیگر هر جا که صلاح بداند اشاره کند که تجدید نظر
يك محکمه دیگر رجوع می شود

ولیر مالیه - امور بکنم شواهد ما هم موافقت کنیم برای

اینکه تجدید نظر اگر شکایت از حاکم قضیه باشد البته
همینطور است که مبرماید اما اگر يك اشتباهی باشد
اگر خود بنده هم يك اشتباهی بکنم مانعی ندارد و اشکالی
ندارد باید آن اشتباه تصحیح شود و در این جا موارد را
ملاحظه فرماید در مواردی که حکم باید تجدید نظر
شود حاکم وقتی که حکم را داده است آن سند را
صحیح میدانست است ولی امروز وقتی شما باو نشان
دادید که این سند تازه بدست آمده است یا اشتباه شده است

قانون بر طبق قواعدی است که در قانون تسریع محاکمات
و اصول محاکمات حقوقی اصلاح شده ملغی است

رئیس - ماده ۳۸ قرائت میشود:

ماده ۳۸ - طرز رسیدگی دیوان محاسبات و سایر امور
مربوطه به دیوان مزبور بموجب نظامنامه های وزارت مالیه
معین خواهد شد

رئیس - ماده ۳۹ قرائت میشود:

ماده ۳۹ - حساب و مخارج و اموال و هم چنین اسناد
راجع به املاک و نهضات و تصویب مخارجی که اقتضای
و مداخله در آن برخلاف مصالح مملکتی باشد مشمول
مقررات این قانون نخواهد بود این نوع مخارج و اموال
و اسناد بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء خواهد
رسید معین میگردد.

رئیس - ماده ۴۰ قرائت میشود:

ماده ۴۰ - دیوان محاسبات در درجه اول باید بحسابهای
سالیه که تشکیل می شود رسیدگی نماید رسیدگی بحسابهای
سنوات قبل موقوف به ختم رسیدگی حساب سال جاری است

رئیس - ماده ۴۱ قرائت میشود:

ماده ۴۱ - قانون دیوان محاسبات مصوبه صفر ۱۳۲۹
آماری نسخ و این قانون از تاریخ تصویب قابل اجراء است
رئیس - آقایانیکه با ورود در شور دوم این لایحه
موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
تصویب شد.

[۶ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای ولیر مالیه]
ولیر مالیه - عدد زیادی از آقایان نمایندگان محترم

بواسطه این که شرکت کرده اند در چند جلسه راجع
باین لایحه که حالا تقدیم می شود خاطرشان مسبوق است
و از برای سایر آقایان دیگری که تشریف نداشتند
لازم است چند کلامه برای توضیح این لایحه که تقدیم
می شود عرض کنم. لایحه که تقدیم میشود راجع به
دو موضوع است یکی فروش خالصجات دولتی و یکی تهیه
وسائلی از برای بانک فلاحتی و اینکه بتوانند هر سال
يك مبلغی برای امور فلاحتی بانک فرع خیل فزونی فرض
بدهد. بنده قبل از این که این لایحه را تقدیم مجلس

شورای ملی کنم از کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون
بودجه و بکمد دیگری از آقایان که لطف کردند تشریف
آوردند خواهش کردم که چند جلسه به کمیسیون و در آن
لایحه شور کنیم و همین کار را کردیم و تقریباً می شود
گفت تمام موادش پس از شور و مطالعه در آن تهیه و
تقدیم شده. آقایان معین هستند که دولت يك مقدار
زیادی املاک خاصه دارد قسمتی از آنها البته املاک خیلی
خوبی است نزدیک هم است جمع است قابل اداره است
بعضی از این املاک که میشود گفت که جزء اعظمش
است املاکی است که ما مشترکاً با افراد دیگر مالک هستیم
يك دانك دو دانك ۳ دانك است یا این که متفرق است
در نقاط مختلفه ملک است و جمع نیست و در نتیجه
باید گفت که شاید آنطور که لازم است اصولاً مراقبت
نشده ولی در هر حال نتیجه عمل این شده است که اغلب
املاک خراب املاکی است که خالصه دولت است اینطور
تشخیص شد که اگر ما بیائیم بگذردی دانه ملک داری
خود مان را ننگ تر کنیم لیکن بیشتر به ملکمان برسیم
و يك املاکی را که جمع است نزدیک هم است و می
توانیم خوب مراقبت کنیم اگر بتوانیم سعی کنیم که
سر مشق ملک داری از برای دیگران بشویم آنها را نگاه
بداریم و سایر املاک را بشیرج باشخاصی که مایل هستند
بفروشیم البته شاید بهتر خواهد بود ما همچو تصور
میکنیم یعنی دولت اینطور خیال میکند بنده اینطور معتقدم
که در این قبیل مسائل ناممکن است هر قدر قوای فردی بکار
بیفتند با آن دلسوزی که هر فردی از برای کار خودش
دارد آن صرفه جوئی که هر فردی از برای خودش بخرج
میدهد البته بهتر و خوبتر خواهد بود تا اینکه ما مقدار
زیادی از این املاک داشته باشیم و مخارج زیادی هم
بکنیم مع هذا يك مقدار زیادی از این املاک خراب باشد
پس قسمت اول این لایحه مربوط است باین موضوع و
خواستن اجازه از مجلس که در فاصله ده سال دولت اجازه
داشته باشد که باسقتنای يك خالصجاتی که تعیین شده است
در لایحه سایر خالصجات را بشیرجب مزایده بشکلی که

در قانون معین شده است بفرشند و بعد از این عمل و چندتا مثل دیگر دولت آمده است و يك پولهائی را در اختیار بانك فلاحی خواهد گذاشت و مطابق طرحی که در این جا تهیه شده بانك را میخواهد قادر باین بکند که در فاصله دو سال بتواند صد و پنجاه میلیون ریال بانك غشای معین بتواند قرض بدهد با يك تنزیل که با آن تنزیل بشود کار زراعتی کرد یعنی حد فرعی از صدی شش تجاوز نکند و بالاتر نرود و بعلاوه در نظر گرفته شده است که تا پنجسال سالی صد هزار لیره از وجوه ذخیره مملکتی بانك فلاحی قرض داده شود برای اینکه بتواند بکارخانهها و صنایعی که دارد در این مملکت ایجاد میشود کمک کند بسیاری از اشخاص هستند که آمده اند در نقاط مختلفه مملکت کارخانهائی آورده اند و وجود این کارخانهها خیلی مفید است برای اینکه این کارخانهها نباشد اسلالمصول فروخته نخواهد شد حصول فلاحی که تهیه میشود با بهرانی که در دنیا هست ممکن است که بار دوش باشد و اسباب زحمت شود ولی وقتی که کارخانه باشد که این را بدل کند بمحصولی که خودمان مصرف کنیم از این حیث تکرانی نخواهیم داشت ولی بایستی نسبت به آنها کمک شود و در بسیاری از مواقع اینکارخانهها محتاج هستند باینکه خودشان را بسط و توسعه بدهند باین وسیله که يك کمکپهائی بهمان بشود از برای این است که دولت آن نظر دیگر را گرفته است که سالی صد هزار لیره تا پنجسال بوسیله بانك فلاحی بانها قرض بدهد و مطلب دیگری هم که در این لایحه ذکر شده است و البته اینطور نیست که ما محتاج بشویم قانون دیگری بیاوریم این است که دولت اینطور عقیده مند است که افراد مملکت هر کسی نسبت بوضعیتی که دارد يك وظایفی دارد اگر کسی دارای ملك است يك وظایفی دارد که من که ملك ندارم آن وظایف را ندارم کسی که ملك دارد وظایف او را این است که معنی کند مملکت يك ملك خرابه نباشد البته تا امروز ممکن بود اعتراض کرد ممکن بود گلاط و مسائل مالی ندارد و بخواهد پول فراهم بکند باید تنزیل صد

دوازده صد هیجده بدهد و يك عمل لغو سفیله خواهد شد ولی وقتیکه کار برکنش به تنزیل صد شش و با پولی که گذاشته شده است برای این کار واقعا گفته است که کسی ملك داشته باشد سعی نکند که آثار آباد کننده برای اینکه اساس ثروت ملی ما عبارت از همین کار فلاحی است همین مناسبت هم يك ماده که البته این ماده الان صورت نصیحت را دارد برای اینکه میگوید هر يك از مالکین موظف هستند در مدت و تریبی که دولت تصویب میکند اداره فلاحی پیشنهاد کرده است مطابق آن املاک خودشان را آباد کنند و اگر نکردند بموجب قانون بعدی که وضع خواهد شد با آنها بشکلی که لازم است رفتار خواهد شد اینجا تکلیفی معین نمیکند نمیخواهد دولت در این موضوع کسی را در زحمت بیندازد در ضمیمه بیندازد ولی حالا آن خبرداری را که باید در عمل بگردد ببار تاخری میگوید که اگر شما دارای يك مملکت هستید با اینکه در دسترس شما يك پولی میگذازند باینکه آن پول را باینکفرع خیلی نازلی که در این مملکت نازل حساب میشود بشما میدهم اگر حاضر نشدید بروید کار بکنید آن وقت يك فکر دیگری خواهیم کرد که اشخاص را بکفتری جدی بکند و بدانند ممکن است گاهی هم اول دولت نصیحت بکند و اگر نصیحتش پذیرفته نشد آنوقت يك قهری سخت تر معامله بکند و من امیدوار هستم که خود همین مسئله کافی باشد که افراد پیش از این خریدار بچیز دیگر محتاج نشوند که بعد بیاییم قانون جدیدی بیاوریم حالا این لایحه است اینجا میدهم و امیدوارم بزودی در کبسیون قوانین ممالیه برای مرتبه چهارم مورد شور واقع شود که برای جلسه آتی موفق شویم خیرش را جزء دستور قرار بدهیم

رئیس - پیشنهادی از آقای افسر در اینخصوص رسیده قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم کبسیون خاصی دوازده نفری برای لایحه بانك فلاحی از طرف مجلس معین شود

رئیس - قانون بانك فلاحی هم در جزء همین لایحه است - منظور همین لایحه است آقای افسر

افسر - عرض کنم این را تجربه کرده ایم که غالباً در هر قری جماعتی از رفقا و نه ابتدگان بیشتر مناسب هستند و صلاحیت دارند تا دیگران کبسیون قوانین ممالیه از مدنظر وضع قوانین البته صلاحیت دارد و کاملاً کافی است برای این موضوع ولی البته این مسئله که راجع ببانك فلاحی است با این تجربیاتی که در این چند ساله کردیم و دیدیم که قوانینی که گذشت عملی بود چنانچه نسبت ببانك فلاحی و قرضهائی که میداد که اصولش این بود که صد نه و صد هفت میداد و صدی در کبسیون و تقبش میگرفت و بالاخره هیچکس نتوانست ملکی را کاری بکند بنظر بنده دوازده نفر مجلس معین کند از اشخاصی که اطلاع دارند که اینها در این قسمت مطالعه و وقت کنند و اطلاعاتی که دارند البته در نظر خواهد گرفت مجلس کسانی باشند که از نقاط مختلفه مملکت اطلاع دارند از کرما و سرما و آبادی املاک و جنگل و رودخانه و قنات و اینها با هم تفاوت دارد آبادیش اینها جمع شوند و رسیدگی کنند و اینها مشغول مطالعه شوند بنده مناسب تر از کبسیون قوانین ممالیه میدانم و سابقه هم دارد چنانکه راجع بنقت و قانون استخدام و اینها ملاحظه فرمودید تقریباً هفده هیجده فقره کبسیون خاصی نسبت بموارد مختلفه در این ادوار مختلفه مجلس معین شده است چیز تازه نیست و اگر مراجعه بسوابق فرمائید موجود است این نظر بنده است حالا میفرمائید خوب است قبول فرمائید و اگر میفرمائید بکبسیون قوانین ممالیه بیاورند بعد از تو در مجلس بیاورند بنده عرضی ندارم

وزیر ممالیه - این انتخاب کبسیون خاص البته بکلی مربوط بتصمیم مجلس است و بنده هیچ اظهار نظری نمی کردم اگر سکوت بنده واقعا يك حق ناشناسی از نظر خود بنده جلوه نمیکرد بنده کبسیون قوانین ممالیه را

در سه جلسه تا نزدیک نصف شب نگاه داشتند نشستند و صحبت کردند و زحمت کشیدند و فکر کردند و همراهی کردند (افسر - ما هم بودیم منافاتی ندارد) آقا هم بودند و بعد هم آقا می توانست باشند و هر کس دیگر هم بخواهد میتواند باشد بنده دیدم صکه واقعا اگر بنده اینجا ساکت بنشینم و کبسیون قوانین ممالیه با زحمتی که کشیده است در تنظیم این لایحه در کمک فکری بآن حالا مثل این باشد که باید يك کبسیون با بصیرت تری از طرف مجلس معین شود بنده در عالم خودم حق ناشناسی کرده ام و نخواستم این کار را کرده باشم باین مناسبت بنده از تمام آقایان تمنی می کنم تشریف بیاورند کبسیون قوانین ممالیه ما که از شور و مشورت فراری نیستیم هر چه می خواهند از آقایان تشریف بیاورند آنجا هر کدام میخواهند حرفشان را بزنند و آقا هم اگر يك اشخاصی را می شناسید که وجودشان آنجا لازم است و بحرف آقا تشریف نمی آورند بفرمائید بنده دعوتشان می کنم

افسر - مقصود این بود که منحصر نباشد سابقاً خودتان دعوت کرده بودید حالا هم دعوت میکنید

رئیس - پیشنهادتان را تعقیب می کنید؟

افسر - خیر محتاج نیست مقصود این بود که باز باشد و اشخاص مطلع بودند

[لا موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - گویا معهود است که روز شنبه سه قبل از ظهر کبسیون قوانین ممالیه دائر بشود و البته برای مجموع اشخاصی که بتوانند يك روشنائی و يك توضیحاتی بدهند مانعی نخواهد بود و حالا ساعتی را که کبسیون آماده است عرض کردم اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه هم دهم ساعت هفت دستور همین لایحه (مجلس پانزده ساعت و یک ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر